

فارسی عمومی، اهمیت و آسیب شناسی آن

حمیدرضا خوارزمی^۱

سید امیر جهادی^۲

چکیده:

درس «فارسی عمومی» از درس‌های مهم عمومی است که به رغم صرف هزینه‌های مادی و معنوی بسیار، هنوز با غایت، آرمان‌نمایی و تحقق اهداف آن فاصله بسیاری وجود دارد. درسی که علاوه بر وظیفه شناساندن و معرفی فرهنگ و ادب این سرزمین به نسل نو و ایجاد علاقه و انگیزه در آنان، رسالت آموزش زبانی منزه و روشن و به دور از نادرستی را به دانشجویان عهده دار است تا هم در نوشته‌های علمی و هم در مکاتبات اداری و روزمره مدد رسان آن‌ها باشد. با این همه بنا به دلایلی چون نبود کتب مناسب، ناکافی بودن واحد درسی، عدم توجه به مطالب نگارشی، جذآب نبودن کلاس و گاه بی‌توجهی و عدم تجربه مدرسان، رسالت این واحد درسی به شکل کامل ادا نمی‌شود. برای رفع این نقیصه می‌توان به پیشنهادهایی از این دست توجه داد: افزایش واحد درسی، تدوین متون جامع و متناسب با نیازهای فکری و فرهنگی دانشجویان، توجه بیشتر به آیین نگارش و دستور زبان فارسی، تأکید بر آموزش مناسب در کلاس درس و ...

واژه‌های کلیدی: فارسی عمومی، آسیب شناسی، نگارش، متون ادبی

۱- مقدمه:

در بین درس‌های دانشگاهی در ایران غیر از درس‌های پایه، تخصصی و اختیاری حدود بیست واحد به عنوان درس‌های عمومی است که دانشجویان ملزم به گذاردن آن‌هاست. در این بین دانشجویان با گذراندن هر واحد از درس‌های عمومی به نیازی از نیازهای فردی و اجتماعی خود پاسخ می‌گویند؛ به عنوان نمونه فرد با خواندن درس معارف اسلامی در صدد آشنایی با دانش‌های دینی و زیاد کردن علم دینی خود است و درس تربیت بدنی می‌تواند ما را در سلامتی جسم و در نتیجه پویایی ذهنی کمک نماید. در این بین درس فارسی عمومی هم برای آشنایی با رمز و رازهای نوشتن و آشنایی با میراث‌های ادبی کشور در سه واحد درسی دیده می‌شود. برای استادان و دانشگاهیان که با آموزش زبان و ادبیات فارسی در ارتباط هستند روبه رو شدن با این پرسش که «آیا آموزش زبان به فارسی‌زبانان در سطح آموزش عالی ضروری و مهم است؟» موضوعی چالش‌برانگیز نیست، زیرا شواهد زیادی در دست است که دانشجویان در دانشگاه‌ها، به تکمیل دانش خود درباره زبان مادری‌شان نیازمند هستند؛ از طریق مهارت و تسلط نسبی بر زبان مادری، در سایر دروس خود موفقیت‌های بیشتری به دست می‌آورند و به کمک مهارتی که در زبان مادری به دست می‌آورند، شایستگی‌های عمومی خود را برای کاربردی‌ترین تخصصی در عمل، احراز می‌کنند. با وجود این یک پرسش چالش‌انگیز مطرح است: «آیا آموزش ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها از کیفیت لازم برای تضمین نسبی اهداف بالا برخوردار است؟» (آهنچیان، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر hamidrezakharazmi@yahoo.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر

۱-۱- شرح مسئله:

زبان و ادبیات فارسی با پیشینه‌گران‌بهای خود، چکیده‌ای از فرهنگ اجتماع، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، کلام و .. است. هیچ کتاب جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی نیست که نویسنده‌اش برای نوشتن آن بی‌نیاز از پیشینه‌های زبانی و ادبی باشد، از طرف دیگر فرد دانش‌آموخته برای پیشبرد کار خود در اجتماع نیاز به برخی مهارت‌های نوشتاری دارد. فارسی عمومی می‌تواند فرد را در این امر مهم یاری کند. منتها به دلیل مسایل گوناگون از جمله کم بودن واحد درسی، بی‌توجهی به این درس، نبودن کتاب مناسب نمی‌تواند آن چنان مؤثر باشد. در این پژوهش به اهمیت این درس و آسیب‌شناسی آن پرداخته خواهد شد و در ادامه راه کارهایی پیشنهاد خواهد شد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت مسئله:

با انجام این پژوهش اهمیت پرداختن به صورت جدی به درس فارسی عمومی بازگو خواهد شد و دلیل کم-توجهی دانشجویان به این واحد درسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و آسیب‌هایی که با توجه به تجربه چندساله تدریس در این درس مشاهده شده است بیان خواهد شد. در ادامه می‌توان با جمع‌بندی کلی، راه‌کارهایی برای تدوین کتاب‌هایی در این زمینه برای نویسندگان معرفی کرد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

قبلاً کارهایی در زمینه نقد کتاب‌های نوشته شده برای فارسی عمومی انجام شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:
 مشتاق مهر، رحمان (۱۳۸۵) ضرورت بازنگری در هدف و سرفصل‌های فارسی عمومی مندرج در نامه علوم انسانی که کمیته فارسی عمومی را مورد مطالعه قرار داده است.
 یحیی طالبیان. سال ۱۳۸۵ مقاله‌ای با عنوان برگزیده متون ادب فارسی و اهداف تدریس فارسی عمومی را با توجه به نقد کتاب یاد شده، بیان کرده است.

۲- بحث:

۱-۲- اهداف درس فارسی عمومی

در دانشگاه‌ها این درس به عنوان فارسی عمومی برای دوره‌های کاردانی و کارشناسی عرضه می‌شود. حدود سال ۱۳۶۰ ه. ش این درس به صورت دو درس دو واحدی عرضه می‌شد و بعد در پی تقلیل دروس عمومی و اختصاصی به یک درس سه واحدی کاهش پیدا کرد. (آهنچیان، ۱۳۹۰: ۱۶۰).
 فارسی برای دانشجویان غیر زبان و ادبیات فارسی به عنوان سه واحد درسی در نظر گرفته شده است که یک جلسه دوساعتی و یک جلسه تک ساعتی را در هفته به خود اختصاص می‌دهد. این درس به صورت کلی در قالب درس نگارش و متون منتخب ادبیات است.

این درس از دو جهت حائز اهمیت بسیار است: از آن روی که اولاً با طیف گسترده‌ای از مخاطبان (دانشجویان رشته‌های مختلف) روبه‌روست و ثانیاً تأثیر عمیقی که بر طرز تلقی دانشجویان از زبان فارسی به جای می‌گذارد. به خاطر فضای قدرتی ادبیات فارسی اصولاً کم‌تر کسانی هستند که وقت خود را برای تدریس درس نگارش و ویرایش اختصاص دهند و بیشتر خواندن قسمتهایی از نگارش را به دانشجویان واگذار می‌کنند. در بخش نگارش و ویرایش فرد باید با اصول نویسندگی و درست‌نویسی آشنا شود و این بخش می‌تواند مهارت‌های نگارشی فرد را در

قالب‌هایی اعم از نامه نویسی، گزارش‌نویسی، مقاله‌نویسی، زندگی‌نامه نویسی، خاطره‌نویسی، داستان‌نویسی و... افزایش دهد و حداقل کاری که می‌تواند انجام دهد، آشنا کردن افراد با این قالب‌های نگارشی است. غیر از آشنایی دانشجویان با این شیوه نوشتاری، می‌توان با انتخاب نمونه‌های والایی از صاحبان فن و آثار بر جای مانده از گذشتگان، ذوق افراد را شکوفا کرد و استعدادها را آشکار نمود.

با اینکه به این شیوه‌ها در دوره‌های گذشته مثل متوسطه یا دبستان مرتب پرداخته شده است، ولی فضای خاص آموزشی مدرسه و تنگی وقت برای دبیران و معلمان این فرصت را نمی‌دهد تا به صورت علمی مباحث نظری را به منصفه ظهور رسانند و شاید وقتی که برای نگارش باید صرف شود بیشتر به دستور و مباحث آن اختصاص می‌دهند که بیشتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها که کنکور است، بازخورد دارد و این ذهن کنکوری هرگونه پرورش و استعداد و ذوق را به کنار می‌زند و نگاه ابزاری به دانش را نشان می‌دهد. یک واحد اختصاص یافته از سه واحد درسی برای نگارش و ویرایش نمی‌تواند معجزه کند، ولی برای دانشجویانی که فضای تازه‌ای در زمان و مکان جدید را تجربه می‌کنند می‌تواند کارآمد باشد. باز این جا اگر نتوانیم به صورت جدی در مورد درس فارسی برای دانشجویان طرحی را ارائه دهیم، حالت ابزاری برای بالا بردن معدل درسی مطرح می‌شود و نگاه نمره‌ای و ابزاری این ذوق را از دانشجویان خواهد گرفت.

دو واحد باقی مانده از این درس می‌تواند فرصت مناسبی باشد که دانشجویان را با میراث گذشته زبان فارسی آشنا سازد. این میراثی است که ریشه‌هایی از همه دانش‌های بشری را می‌توان در آن یافت، میراثی از فلسفه، کلام، عرفان، نجوم، اخلاق، سیاست و... در ادبیات درج شده است هرچند در تعریف دقیق‌تر بین زبان ادبی و زبان علمی تفاوت‌هایی وجود دارد و ما همه آن‌ها را به عنوان ادبیات می‌شناسیم. زبان علمی گذشته از جهت این که «بر سابقه لغات و تعبیرات فارسی» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۹) دلالت دارند از جهت مقوله زبان شناختی و مباحث تاریخی دارای ارزش زیادی هستند. مرزبندی بین این دو نوع زبان در گذشته هم نمی‌تواند جالب باشد؛ چون چه بسا اگر تعریف ما از متن ادبی بر انتقال احساس و عاطفه در قالب صورت‌های بیانی و ایجاد نوعی زیبایی‌شناختی باشد؛ جاهایی که از عوامل یاد شده کم باشد به عنوان نمونه در اشعار ناصر خسرو که برای بیان عقاید فکری و مذهبی خود به کار می‌رود به خاطر هزار نکته‌های باریک‌تر از مو در آن‌ها نمی‌توان به بهانه ادب محض نبودن از آن‌ها چشم‌پوشی کرد.

در نهایت می‌توان پاره‌ای از مهم‌ترین اهداف این درس را فهرست‌وار برشمرد:

۱. ایجاد انگیزه و علاقه برای آشنایی بیشتر دانشجویان به ادبیات فارسی.
۲. ایجاد زمینه و بستر مناسب برای آشنایی با متون کهن ادب فارسی و مطالعه آن‌ها.
۳. فراهم ساختن فضای مناسب برای آشنایی و تعامل دانشجویان با ادبیات معاصر به منظور رفع نیازهای ادبی، فرهنگی، هنری و تقویت روح و حس شاعرانه و عواطف انسانی.
۴. کمک به رفع نیازهای ارتباطی خصوصاً در مکاتبات اداری و ...
۵. افزایش سواد و معلومات دستوری و نگارشی.
۶. آماده ساختن دانشجویان برای نگارش مطالب علمی و غیر آن.
۷. تکمیل فرایند و مهارت‌های خواندن و درک مطلب دانشجویان.

۲-۲- آسیب شناسی برخی کتب فارسی عمومی:

آنچه روشن است این است که بحث آسیب‌شناسی فارسی عمدتاً با مسائل و مشکلاتی سر و کار دارد که می‌تواند هدف و ارزش این درس را با خطر مواجهه کند. پژوهش‌های متعدد می‌تواند برای شناخت انواع آسیب‌ها و علل بروز آنها مفید باشد؛ در صورتی که نظریاتی را برای حل آن مسائل پیشنهاد شود.

«... برخی شواهد حاکی از آن است که با وجود صرف منابع انسانی و مادی قابل توجه دانشجویان در دانشگاه‌ها زبان فارسی را به خوبی نمی‌آموزند و در فراگیری مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی مشکلاتی دارند (سبحانی، ۱۳۸۷). این در حالی است که نتیجه تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد مدرسان این درس هنوز هدف کلی زبان و ادبیات فارسی را مترادف با معنی کردن لغات مهجور و ذکر نکات دستوری و تعریف قالب‌های سنتی شعر می‌دانند (اله‌امی، ۱۳۸۶). غالب استادان زبان و ادبیات فارسی، به ویژه مدرسان این واحد درسی معترف‌اند در تألیف این کتاب روشی جدید، دقیق، جامع و دانشگاهی - که مورد قبول عموم طالبان و دانشجویان و مدرسان باشد - مشاهده نمی‌شود. زیرا هر مؤلفی با روشی مخصوص که بیشتر سلیقه‌ای است به تألیف کتاب پرداخته و کمتر دیده شده که طرحی نو و روشی جامع اعمال شود.» (آهنچیان، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

جبارزاده (۱۳۸۴) در پژوهش خود مهم‌ترین انتقادهای وارده به یکی از کتب فارسی عمومی مورد مطالعه خویش را چنین بیان می‌دارد: «۱. در شعر و نثر کتاب فارسی عمومی بی‌دقتی و کم‌ذوقی به وضوح دیده می‌شود؛ به طوری که به جای گزینش بهترین آثار پدیدآورندگان، غالباً مطالب درجه دو و سه انتخاب شده‌اند. ۲. بین حوزه زبان و ادبیات مرزبندی اصولی تعیین نشده و آنچه به چشم می‌خورد صرف ادبیات کم‌جاذبه است. ۳. در حوزه‌های سبکی و گونه‌ای و نیز از نوع ساده و دشوار، ارتباط منطقی و اصولی بین مطالب متن وجود ندارد. ۴. مطالب کتاب بیشتر صبغه دینی-اخلاقی داشته، اما بر شیرینی و گیرایی ادبی آن تأکید نشده است. ۵. گسترش حوزه ادبی در زمینه‌های مختلف کتاب لحاظ نشده است. ۶. حجم برخی از دروس و نیز بعضی از مطالب طولانی و کسالت‌زا است. ۷. متن کتاب از گستره عظیم و گوناگون ادبیات جهانی بی‌بهره است ... ۱۰. مجالی برای طرح و ارائه زیبایی‌های سخن فراهم نگردیده است ... ۱۳. اغلب مطالب متن به آثار کهن بیشتر شعر اختصاص یافته است ... ۱۶. به ادبیات معاصر در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون شعر و نثر چندان توجه نشده است. ۱۷. موضوعات طنز و سرگرمی در کتاب بسیار کم رنگ‌اند.» (آهنچیان، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

۲-۳- راهکارها و پیشنهادها:

۱. افزایش واحد درسی:

پیشنهاد کلی در مورد این درس افزایش آن به حداقل چهار واحد درسی در قالب زبان و ادبیات فارسی که در قالب زبان مباحثی در مورد زبان نگارش و ویرایش آشنایی با نقد ادبی، آشنایی با بلاغت و آشنایی با سبک‌شناسی و عروض و قافیه گنجانده شود و همراه با مباحث نظری، مباحث علمی نیز آورده شود؛ چون در این دو واحد درسی اصول نگارش گنجانده می‌شود و دانشجو دائم در طول دوره تحصیلی با نوشتن پژوهش و گزارش مواجه است. بهتر است که این واحد در ترم نخست به دانشجویان ارائه شود، ولی در دو واحد بعدی آشنایی با متون ادبی اعم از نثر و نظم گنجانده شود و بتواند این متون سیر منظمی را در ذهن دانشجو از گذشته ادبی ایران ایجاد کند. پرداختن به گذشته نباید دانشجو را از ادب زمان خود که تحت عنوان ادبیات معاصر مشهور است غافل نماید. برای این واحد درسی بهتر است که از ترم پنجم به بعد ارائه شود تا دانشجو در طی بازخوردهای فکری که در دانشگاه دارد و ذهن جدیدی از او در دوره سنی جوانی ایجاد شده است، شاید بتواند در بین این متون ذهنیت خاصی از خود را پاسخ گوید و دیگر آن سرگردانی ترم اول را نخواهد داشت تا بخواهد خود را پیدا کند، ادبیات در مقابل دنیای سرگردان او تمام می‌شود و نمی‌تواند برای خود نتیجه قابل‌پذیرشی ایجاد کند.

۲. توجه به نگارش علمی و شیوه‌های نگارشی:

در بخش نگارش بهتر است که به شیوه‌های نویسندگی بخصوص آنچه مربوط به پژوهش علمی است به صورت

مفصل پرداخته شود و ضمن یاد دادن اصول نویسندگی از شیوه‌نامه ویرایش غافل نبوده، در بقیه موارد به صورت مختصری از دانش‌های دیگر با ذکر نمونه‌ها بازگویی گردد.

۳. دقت در انتخاب متون و طرح کتاب:

در زمینه متون ادبی از متن‌های دشوار غیر قابل فهم که تنها عرصه به رخ کشیده شدن قدرت استاد است استفاده نشود. در زمینه شعر فارسی دو شیوه برای انتخاب متون وجود دارد یکی انتخاب به شکل قالبی که شعر در قالب قصیده، غزل، رباعی و... که شیوه کتاب فارسی عمومی فتوحی و حبیب الله عباسی است و نثر با توجه به سبک ساده عادی و ساده عالی و نثر فنی عالی و فنی مصنوع تقسیم شود و تقسیم دیگر بر مبنای نوع ادبی حماسی، غنایی، تعلیمی و... است که مبنای آن براساس تقسیم انواع ادبی است که شیوه کار فارسی عمومی اثر حسن ذوالفقاری است. اگر از تقسیم شکلی استفاده کنیم؛ نیازی به آوردن به عنوان مثال قصاید سبک بازگشت و یا سبک هندی نیست؛ بلکه از قصیده سرایان مشهور قصاید وصفی، اخلاقی و عرفانی کافی است. در تقسیم ادب به نوع ادبی هم از آثار مشهور که از نظر عاطفه، تخیل و تفکر برتر هستند انتخاب نماییم. تنوع در انتخاب متن را هم مد نظر قرار دهیم و سعی نکنیم از چند تن محدود انتخاب کنیم که این کار مجال بیشتر برای آشنایی با فرهنگ و زبان گذشته و امروز را خواهد گرفت و یا این که بر اثر سخت‌گیری‌های بی‌جا، به ادبیات معاصر نپردازیم؛ چون ادبیات ضمن این که باید ارتباط فرد را با گذشته نشان دهد زبان و محتوی آن باید با طرز زندگی امروزی نسبتی داشته باشد.

در خصوص انتخاب متن معیار باید بر گزینش متون از آثار بزرگان ادب فارسی باشد و آن هم متونی که هم به لحاظ محتوایی و هم به جهت ظاهری جذاب باشد. از انتخاب متن‌هایی که شعار محض است و یا چنان دشوار است که فقط استاد را متکلم وحده می‌کند خوداری شود و از متن‌هایی انتخاب شود که دانشجو را هم در تدریس آن دخیل کند و حداقل ذهن او را کنجکاو کند و زمینه ظهور پرسش و پاسخ بین استاد و دانشجو باشد.

۴. تدوین جزوه جدید برای هر نیم سال:

راه کار پیشنهادی دیگر آن است که استادان بخش زبان فارسی که فارسی عمومی را تدریس می‌کنند، با همدلی برای هر ترم تحصیلی متناسب با چهارچوب آموزشی و در سایه ذوق خود جزوه‌ای را تدوین کنند که هر ترم قابلیت تعویض را داشته باشد؛ چون دانشجویان وقتی کتاب خاصی برای تدریس انتخاب می‌شود به دلیل قرض دادن کتاب به همدیگر دیگر به فکر حضور مستمر در کلاس برای آموختن نیستند و چه بسا اگر در کلاس هم حضور داشته باشند، دیگر توجه خاصی به درس ندارند و تکیه‌گاه و امید آنها به نوشته‌های پیشین دوستان در پاورقی کتاب است و اگر استاد برای متنی تکلیفی را بخواهد دانشجو زیاد برای آموختن و خواندن و شرح متن زحمتی به خود نمی‌دهد.

۵. به کار گیری مدرّسان با انگیزه و مجرب:

برای تدریس فارسی عمومی باید «بهترین استادهایی که دارای ذوق هنری، قدرت بیان، اطلاعات کافی و تجربه هستند برای تدریس این درس انتخاب شوند. همچنین استادان جوان، با انرژی، شاداب و با ذوق که در دانشجویان ایجاد علاقه می‌نمایند انتخاب شوند.» (آهنچیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷) توجه به این نکته حائز اهمیت است که منبع درسی که مطابق با بهترین استانداردها و توسط گروهی از مبرّزترین استادان این رشته تهیه شده باشد، اگر توسط مدرّسانی که

از تبخّر کافی در تدریس یا تسلّط علمی ندارند، آموزش داده شود، منجر به نتایج مورد انتظار نخواهد شد. (همان: ۱۷۸)

نتیجه:

نقایص بسیار در محقق ساختن رسالت و اهداف درس فارسی عمومی مشهود است که مهم ترین آن ها بدین قرار است: نبود کتاب مناسب و جامع برای درس فارسی، بی دقتی در مرزبندی میان ادبیات و زبان فارسی و متعاقب آن بی توجهی و غفلت به مباحث نگارش و دستور زبان فارسی، ناکافی بودن واحد درسی و ناتوانی منبع و گاه مدرّس برای ایجاد انگیزه در دانشجویان. برای رفع موارد طرح شده می توان راه کارهایی چون افزایش واحد درسی، تدوین منبع مناسب و جامع، توجه جدی و کافی به مباحث نگارش و دستور زبان و به کارگیری مدرّسان با انگیزه و مجرّب را مدّ نظر داشت. تا اینکه بتوان طرحی نو در انداخت و اهداف و وظایف یکی از مهم ترین دروس عمومی دانشگاه ها را محقق نمود.

فهرست منابع:

۱. آهنچیان، محمد رضا و عبدلی، افسانه. (۱۳۹۰). «وضعیت آموزش درس فارسی عمومی در نظام آموزش عالی بر اساس مولفه های اصلی برنامه درسی»، جستارهای ادبی، شماره ۱۷۵، زمستان، صص ۱۸۲-۱۵۷.
۲. الهامی، محسن. (۱۳۸۶). «دانشگاه، فارسی عمومی و آموزش تفکر خلاق»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳، پیاپی ۱۱۷.
۳. جبّار نژاد، عبّاس. (۱۳۸۴). «نگاهی به کتاب های فارسی عمومی دانشگاهی»، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۴۹.
۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) از گذشته ادبی ایران، تهران: سخن.
۵. سبّحانی، عبدالرضا. (۱۳۸۷). «چارچوب ادراکی رشته آموزش زبان فارسی در دانشگاه ها»، مجله زبان و ادبیات فارسی، سال ۴، شماره ۱۱، ص ۹۹.
۶. طالبیان، یحیی. (۱۳۸۵). «برگزیده متون ادب فارسی و اهداف تدریس فارسی عمومی»، نامه علوم انسانی، تابستان، شماره ۴.

نخستین همایش آموزش زبان فارسی

www.Anjomanfarsi.ir